

# بررسی روند تورم در استان‌ها و کل کشور طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۶۹

مجید دلاوری

MJD\_Delavari@yahoo.com-

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان

راحله رفیعیان

کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان

Raheleh\_Rafiian@yahoo.com

تورم / روند قیمت‌ها / پراکندگی نرخ تورم

## چکیده

در بررسی نرخ تورم در زیر شاخص کل مشخص شد که به ترتیب بهداشت و درمان، تحصیل و رستوران و هتل بیشترین نرخ تورم و تفریح و امور فرهنگی کمترین نرخ تورم را دارا می‌باشند.

همچنین در بررسی پراکندگی نرخ تورم بین استان‌های کشور مشخص شد که پراکندگی طی کل دوره در نظر گرفته شده کاهش داشته است. نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که تفاوت تورمی بین استان‌های کشور در کل دوره ۱۳۸۷-۱۳۶۹ کاهش داشته است.

همچنین تفاوت‌های تورمی بین استان‌ها معکوس یکدیگرند. بدین معنا که استان‌هایی با بالاترین نرخ تورم در یک سال، در سال‌های آتی کمترین نرخ تورم را دارا می‌باشند. این معکوس شدن روند می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که تفاوت‌های تورمی بین استان‌ها طی زمان از بین می‌رود و روند قیمت بین استان‌ها در بلندمدت به هم نزدیک و همگرا می‌شود.

این مقاله به بررسی روند تورم بین استان‌های ایران طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۶۹ پرداخته است. برای بررسی تحولات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور به تفکیک استان‌های مختلف، نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (نرخ تورم) محاسبه شده است. با محاسبه بیشترین و کمترین نرخ تورم سالیانه و تفاوت تورمی بین آن‌ها مشخص شده است که بیشترین تفاوت تورمی به ترتیب مربوط به سال‌های ۷۱، ۷۴ و ۶۹ می‌باشد و کمترین تفاوت تورمی مربوط به سال‌های ۸۴ و ۷۲ می‌باشد.

بررسی متوسط نرخ تورم بین استان‌ها طی کل دوره نشان می‌دهد که استان کهگیلویه و بویراحمد با متوسط نرخ تورم (۲۰/۷۸ درصد) بیشترین نرخ تورم و استان مازندران با متوسط نرخ تورم (۱۸/۴۶ درصد) کمترین نرخ تورم را دارا می‌باشند. همچنین این دو استان بیشترین انحراف معیار را دارا می‌باشند.

اتخاذ گردد تا میزان فشار به اقشار آسیب‌پذیر جامعه پس از اجرای این طرح به حداقل برسد. زیرا قطعاً نرخ تورم و همچنین تفاوت نرخ تورم در استان‌ها افزایش می‌یابد و فاصله و شکاف بین استان‌ها بیشتر می‌شود. به علت این که در استان‌هایی که مصرف انرژی بالایی دارند خصوصاً استان‌های گرمسیر در تابستان و استان‌های سردسیر در زمستان و همچنین استان‌های صنعتی هزینه‌های انرژی به شدت افزایش می‌یابد و این امر بر روی تورم تأثیر خواهد گذاشت.

این تحقیق به تحلیل روند و نوسانات نرخ تورم در بین استان‌های ایران طی دوره‌ی (1369-1387) پرداخته است. برای بررسی روند نرخ تورم در این مقاله از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی بر مبنای سال 1383 استفاده شده است. شاخص کل قیمت در ایران در سال‌های اخیر خصوصاً در دهه 70 نوسانات زیادی داشته است. شاخص قیمت استانی نیز تقریباً با همین روند در استان‌های مختلف در محدوده‌ی معینی دچار تغییر شده است. ساختار این مقاله شامل نه بخش می‌باشد. پس از ارائه مبانی نظری در بخش دوم، در بخش سوم سابقه تحقیقات و مطالعات تجربی صورت گرفته درباره علل تورم در ایران بررسی می‌شود. در بخش چهارم به مقایسه نرخ تورم ایران با بعضی از کشورهای جهان پرداخته می‌شود. در بخش پنجم روند قیمت‌ها در ایران بررسی می‌شود. در بخش ششم به بررسی نرخ تورم در گروه‌های اختصاصی و اصلی می‌پردازد. بخش هفتم به بررسی روند تورم بین استان‌ها اختصاص دارد. بخش هشتم روند پراکندگی نرخ تورم بین استان‌ها را بررسی می‌کند. و بخش نهم شامل نتیجه‌گیری می‌باشد.

## 1. مبانی نظری

### 1-1. نظریات اقتصادی در خصوص منشأ تورم

#### 1-1-1. نظریه مقداری پول [2]

قبل از انتشار کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول نوشته جان مینارد کینز در میان اقتصاددانان یک اتفاق نظر عمومی در خصوص علل ایجادکننده‌ی تورم وجود داشت. این اقتصاددانان

در کلی‌ترین بیان، تورم افزایش عمومی و مداوم سطح عمومی قیمت‌ها است. بنابراین، ویژگی اصلی تورم، تداوم و عمومیت افزایش قیمت‌ها است. از این رو، افزایش ناگهانی قیمت‌ها و همچنین افزایش قیمت یک یا چند کالای خاص، نشان‌دهنده‌ی تورم نیست. یکی از شاخص‌های قیمت کالاها و خدمات مورد استفاده در اندازه‌گیری تورم برای مصرف‌کننده، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI) [1] است که توسط بانک مرکزی محاسبه و منتشر می‌شود. شاخص قیمت، میانگین وزنی قیمت سبده‌ی از کالاها و خدمات مصرفی است که مصرف‌کنندگان در طول یک سال مصرف می‌کنند و لذا به شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی معروف است. این شاخص به عنوان یک نماگر برای سنجش نرخ تورم و قدرت خرید پول داخلی کشور، یکی از ابزارهای مهم برای برنامه‌ریزان اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

تورم مشکلی جهانی است که اکثر کشورها با آن روبرو می‌باشند، لیکن در کشورهای در حال رشد به دلیل موقعیت این کشورها در اقتصاد جهانی، و نیز به دلیل ساختار اقتصادی آنها، تورم به شکل حادثی بروز می‌کند. ایران نیز به عنوان کشوری در حال رشد سالیان دراز با تورم روبرو بوده است. در دوره پس از انقلاب افزایش بسیار سریع قیمت‌ها همچنان ادامه یافت و به طور کلی تورم یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی کشور در این دوره بوده است. این مسئله که اساساً از عملکرد و سازماندهی اقتصادی طی دهه‌های اخیر ناشی شده است، در واقع یک مشکل بنیانی است و ریشه در زیر ساخت‌های اقتصادی کشور دارد.

با توجه به این که نرخ تورم در کشور در سال‌های اخیر هر ساله به میزان زیادی افزایش داشته و این امر سبب کاهش قدرت خرید مردم و نگرانی جامعه نسبت به آینده زندگی خود شده است و اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و تأثیرات احتمالی بر تورم که به نحوه‌ی اجرای آن تأثیر دارد و نیز با توجه به فاصله و شکاف بین مناطق محروم و برخوردار باید تدابیر لازم

بر اساس نظریه معروف اقتصادی به نام نظریه‌ی مقداری پول منشأ ایجاد تورم را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند. در خصوص این نظریه دو تفسیر وجود دارد که به صورت اجمالی در خصوص هر یک بحث می‌شود.

### الف) معادله مبادله فیشر

ایرونگ فیشر تجزیه و تحلیل خویش را از طریق معادله مبادله [3] زیر آغاز می‌نماید:

$$MV = PY \quad (1)$$

M حجم کل ذخائر پول، v سرعت گردش پول، P سطح عمومی قیمت‌ها و Y سطح محصول تولید شده در اقتصاد را نشان می‌دهد.

بر اساس این نظریه با فرض اینکه سرعت گردش پول و تولید ثابت می‌باشند، هر گاه حجم پول در اقتصاد x درصد بالا رود قیمت‌ها نیز به همان نسبت (x درصد) افزایش خواهند داشت. تحلیل افزایش متناسب قیمت‌ها بدین صورت است که افزایش حجم پول سبب می‌شود که در اقتصاد نسبت به مقداری که برای مبادله در اشتغال کامل لازم است اضافه پول به وجود آید، ذخایر پولی تدریجاً خرج می‌شوند و از آنجا که سطح محصول و سرعت گردش پول در اقتصاد ثابت می‌باشد سطح عمومی قیمت‌ها به همان میزان افزایش می‌یابد تا این که ذخایر اضافی از بین برود.

### ب) معادله کمبریج

نوع دیگری از فرمول‌بندی نظریه مقداری پول که در بسیاری از موارد ابداع‌کننده‌تر می‌باشد، شکلی است که توسط اقتصاددانان دانشگاه کمبریج مطرح شده است. این معادله را از نظر ریاضی می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$M = KPY \quad (2)$$

اقتصاددانان مکتب کمبریج نیز همان فرضیات مدل فیشر را پذیرفته (ثابت بودن سطح تولید و سرعت گردش پول) و بنا بر این فروض، نتیجه حاصله توسط فیشر در این مکتب نیز به راحتی قابل استخراج می‌باشد. به این شکل که هر تغییری در حجم پول به تغییر متناسب در سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود.

### 3-1-1. نظریه جدید مقداری پول (پولیون)

به طور کلی می‌توان مکتب پولی را به دو گروه تقسیم کرد، مکتب پولی شماره‌ی یک و مکتب پولی شماره‌ی دو. مکتب پولی شماره‌ی یک با اعتقاد به شکل‌گیری انتظارات بر اساس انتظارات تطبیقی [4] معتقدند سیاست‌های پولی در کوتاه‌مدت بر سطح تولید و سایر متغیرهای حقیقی اثرگذار است ولی در بلندمدت پول را خنثی معرفی می‌کنند. این مکتب را به طور کلی می‌توان علی‌رغم وجود نگرش‌های متفاوت دارای چارچوب‌های نظری مشخص زیر دانست:

1- بخش خصوصی ذاتاً پایدار است.

2- هر میزانی از رشد عرضه‌ی پول با سطح تعادلی اشتغال کامل سازگار می‌باشد.

3- هر افزایشی در حجم پول ابتدا سطح تولید و اشتغال را متأثر می‌نماید و آثار حقیقی در بلندمدت ناپدید گشته و تنها نرخ تورم بلندمدت به طور دائمی افزایش می‌یابد.

4- این اقتصاددانان مخالف کاربرد فعال سیاست‌های پولی و مالی می‌باشند و مدافع کاربرد قواعد بلندمدت و یا اهداف از پیش تعیین شده در تنظیم سیاست‌های پولی می‌باشند.

اقتصاددانان مکتب پولی شماره یک بین منحنی عرضه‌ی کوتاه‌مدت و بلندمدت تفاوت قائل می‌شوند، این گروه معتقدند که در کوتاه‌مدت منحنی عرضه صعودی ولی در بلندمدت عمودی است، بنابراین تغییرات حجم پول روی تولید و اشتغال در بلندمدت اثری ندارد. اقتصاددانان پولی شماره دو، از بین چهار قضیه بالا قضیه سوم را نمی‌پذیرند و با اعتقاد به شکل‌گیری انتظارات بر اساس انتظارات عقلایی [5] معتقدند سیاست‌های پولی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت خنثی می‌باشند و تنها سیاست‌های پولی پیش‌بینی نشده در کوتاه‌مدت بر متغیرهای حقیقی اثرگذار است.

### 4-1-1. الگوی شکاف تورمی کینز

کینز استدلال خویش برای ایجاد تورم را این طور ارائه می‌کند که اگر تقاضا برای کالاهای مصرفی بیش از عرضه آن‌ها باشد این اضافه تقاضا شکاف تورمی ایجاد کرده و قیمت‌ها آن قدر افزایش

می‌یابند تا این شکاف پر شود. نکته قابل توجهی که اقتصاددانان کلاسیکی (طرفداران نظریه مقداری پول) را از کینزین‌ها جدا می‌نماید، آن است که اقتصاددانان مکتب کلاسیک معتقدند، تغییرات بخش پولی روی متغیرهای حقیقی اقتصاد هیچ تأثیری ندارد، اما در الگوی کینز پول نیز می‌تواند تولید را متأثر سازد.

از طرفی وجه شباهت الگوی کینز و کلاسیک‌ها در این نکته است که هر دو منشأ اصلی تورم را عوامل مؤثر بر طرف تقاضای اقتصاد می‌دانند (فزونی تقاضا نسبت به عرضه)، با این تفاوت که کلاسیک‌ها بر اساس نظریه مقداری پول معتقدند اضافه تقاضا در بازار کالا از اضافه عرضه پول در بازار پول ناشی می‌شود، حال آن که در نظریه کینز اضافه تقاضا در بازار کالا از بخش‌های حقیقی اقتصاد نشأت می‌گیرد.

#### 5-1-1. الگوی فشار هزینه

برخلاف دو نظریه قبلی (مکتب کلاسیک‌ها و کینزی‌ها) که فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه را علت اصلی تورم عنوان می‌نمایند، این نظریه افزایش هزینه‌های تولید و انتقال منحنی عرضه کل را علت اصلی ترقی قیمت‌ها می‌داند. این نظریه آن هنگام ارائه شد که پدیده «تورم توأم با بیکاری» در دهه 70 به وقوع پیوست. با وقوع چنین اتفاقاتی دیگر نظریات قبلی قادر به توضیح این پدیده‌ها نبودند. عامه‌پسندترین گونه از تفسیر فشار هزینه‌ای عبارت است از اینکه مسئولیت عمده تورم را به گردن فعالیت‌های انحصارگرانه اتحادیه‌های کارگری می‌اندازد. ادعا می‌شود که این اتحادیه‌ها با استفاده از قدرت تردید ناپذیرشان به عنوان عرضه‌کنندگان انحصاری کار، تقاضای افزایش غیرمنطقی درمزدها را می‌نمایند و با کسب این مزدها سبب افزایش قیمت‌ها می‌شوند.

#### 6-1-1. الگوی تورم از دیدگاه ساختارگرایان

نظریه‌های ساختاری تورم معتقد است که ریشه‌های بنیانی تورم در ساختار اقتصادی جامعه نهفته است. به‌طور کلی می‌توان گفت عصاره مطلب ساختارگرایان این است که در کشورهای در حال توسعه تورم معلول عدم توازن‌های ساختاری و کشش ناپذیری عرضه در بخش‌های کلیدی اقتصاد می‌باشد، و این که

برای درمان اصولی تورم تغییر در سیستم تولید، ساختار اقتصادی و توزیع درآمد ضروری است. به این معنا که سیاست‌های ضدتورمی نباید به عنوان یک واکنش مقطعی نسبت به شرایط بحرانی تلقی شود بلکه باید جزئی از استراتژی توسعه باشد. [6]

#### 2. مطالعات تجربی صورت گرفته درباره علل تورم

##### در ایران

درباره علل تورم در ایران مطالعات متعددی صورت گرفته است که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود.

نیلی (1364) نشان داد که بین تغییرات نقدینگی و نرخ تورم همبستگی بسیار قوی وجود داشته است که وی علت این مسأله را در افزایش حجم پول بیرونی (استقراض از بانک مرکزی) معرفی نموده است.

طبیعیان و سوری (1376) در نتایج حاصل از تحقیق خود بر این نکته تأکید می‌کنند که عرضه پول در هدایت سطح عمومی قیمت‌ها تأثیری عمده دارد و عاملی است که بیشترین تأثیر را بر سطح قیمت‌ها دارد.

معروف‌خانی (1377) در بررسی رابطه علت و معلولی میان متغیرهای عرضه پول با تورم و کسری بودجه دولت با تورم نشان می‌دهد که این رابطه یک‌طرفه بوده و از سمت عرضه پول و کسری بودجه به سمت تورم می‌باشد. یعنی این که تغییرات عرضه پول و تغییرات کسری بودجه علت تغییرات سطح عمومی قیمت‌هاست.

بافکر (1377) در نتایج تحقیق خود نشان داد که 10 درصد رشد نقدینگی در بلندمدت منجر به رشد 2/7 درصدی در نرخ تورم خرده‌فروشی و 3/2 درصدی نرخ تورم عمده‌فروشی می‌شود. از سویی دیگر 10 درصد افزایش در نرخ رشد تولید باعث کاهش در نرخ تورم خرده‌فروشی و 2/4 درصد نرخ تورم عمده‌فروشی می‌شود. همچنین با انجام سیاست‌های مناسب می‌توان حدود 66 درصد از شکاف نرخ تورم واقعی و نرخ تورم تعادلی را برطرف کرد. در نهایت نتایج این تحقیق نشان‌دهنده غیرپولی بودن تورم در ایران است.

رسایی (1378) در نتایج حاصل شده از تحقیق خود نشان داد که: 1- افزایش یکباره قیمت حامل‌های انرژی نسبت به افزایش

تدریجی آن اثرات تورمی بیشتری خواهد گذاشت. 2- تأثیر افزایش یکباره قیمت حامل‌ها بر بودجه دولت بیشتر از افزایش تدریجی قیمت حامل‌ها می‌باشد. البته این نتایج با توجه به این فرض مهم، که تولیدکننده و مصرف‌کننده دارای انتظارات تورمی نمی‌باشند، حاصل شده است.

کازرونی و اصغری (1381) در تحقیق خود نشان دادند که تورم و رشد همگرا هستند و در بلندمدت یک درصد افزایش در رشد پول، منجر به رشد تورم، به میزان 0/9 درصد می‌شود. در این بررسی فرضیه رابطه یک به یک بین متغیرهای مورد نظر رد نشده و نتیجه گرفته شده است که تورم در ایران یک پدیده پولی است. ترابی (1381) نشان داده است که انتظارات تورمی و نرخ رشد نقدینگی، از مهمترین عوامل مؤثر بر تورم اقتصاد ایران بوده است. همچنین آزمون رابطه سببی بین نرخ رشد حجم نقدینگی و نرخ رشد قیمت‌ها حاکی از عدم وجود رابطه علت و معلولی بین نرخ رشد حجم نقدینگی و نرخ تورم می‌باشد.

اصفهانی و یآوری (1382) نشان داده‌اند که ریشه تورم صرفاً پولی نبوده و مزمین بودن تورم در ایران به متغیرهای واقعی نیز ارتباط دارد. در کوتاه‌مدت تکانه‌های تورم، رشد نقدینگی و نرخ ارز بر نوسانات تورم مؤثر بوده و پایداری تورم در میان‌مدت بیشتر به تورم انتظاری بستگی دارد، ولی در افق بلندمدت، تکانه‌های بخش واقعی نیز تأثیر بسزایی بر تورم دارد. همچنین رابطه رشد نقدینگی و نرخ ارز با تورم مثبت است. نتایج الگو دلالت بر درون‌زا بودن رشد نقدینگی در ایران دارد.

عباسی نژاد و تشکینی (1383) نشان دادند که رشد 10 درصدی حجم پول منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به میزان سه درصد خواهد شد. همچنین فرضیه پولی بودن تورم در اقتصاد ایران پذیرفته نمی‌شود، در ضمن تولید و شاخص قیمت کالاهای وارداتی و نرخ ارز از عوامل مهم اثرگذار بر نرخ تورم در اقتصاد ایران می‌باشند. همچنین پول در اقتصاد ایران متغیری درون‌زا می‌باشد و بنابراین مقامات پولی قادر به کنترل آن نیستند. سرانجام آن که، چون اثرات تورمی ناشی از اعمال سیاست پولی در یک دوره ظاهر نمی‌شود، بنابراین سیاست پولی فعال توصیه نمی‌شود.

عمادزاده و دیگران (1384) نشان دادند که گرچه تورم در ایران صرفاً یک پدیده پولی نیست و تورم وارداتی، مشکلات ساختاری اقتصاد و تورم انتظاری نیز بر شکل‌گیری آن تأثیر مثبت داشته‌اند، لیکن رشد نقدینگی سهمی بالغ بر (58/32 درصد) را در شکل‌گیری تورم دارا بوده است و پس از آن به ترتیب تورم وارداتی (22/6 درصد)، تورم انتظاری (7/3 درصد)، رشد نرخ ارز (6/2 درصد) و شکاف تولید (5/6 درصد)، سهم تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تورم داشته‌اند.

شافع (1384) نشان داد که افزایش قیمت نفت موجب تورم در هر چهار گروه کشور مورد مطالعه (کشورهای توسعه یافته صادرکننده و واردکننده نفت و کشورهای در حال توسعه صادرکننده و واردکننده نفت) شده است و همچنین تنها برای گروه کشورهای در حال توسعه و واردکننده نفت، رابطه میان نفت و نرخ تورم نامتقارن و معنی‌دار می‌باشد. علاوه بر این، برای گروه کشورهای توسعه یافته و واردکننده نفت، رابطه علی‌گرنجری از طرف GDP بر قیمت نفت برقرار نمی‌باشد. بنابراین، واکنش GDP و نرخ تورم نسبت به تغییرات قیمت نفت برای تمامی گروه‌های کشورهای تحت مطالعه یکسان نمی‌باشد.

محنت فر و دیگران (1385) نشان دادند که متغیرهای جمعیت کشور، نرخ ارز، حجم پول، صادرات کالاها و درآمدهای نفتی بر افزایش سطح قیمت‌ها در ایران تأثیر زیاد و معنی‌داری دارند. همچنین دولت باید سیاست‌های پولی انقباضی را در راستای جلوگیری از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها براساس اهداف برنامه چهارم توسعه اقتصادی و چشم‌انداز بیست ساله کشور اجرا نماید.

داودی زنجانی (1385) در تحقیق خود نشان داد که استقلال بانک مرکزی بر تورم اثر منفی و معنی‌دار داشته است.

رضایی صوفلو (1385) در تحقیق خود نشان داد که در اثر اعمال سیاست افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی (تا سطح قیمت جهانی) تورم، هزینه خانوار شهری و هزینه خانوار روستایی به ترتیب 8/8، 6/7 و 7/9 درصد افزایش می‌یابد. همچنین افزایش هزینه خانوار در دهک‌های پائین درآمدی بیش از دهک‌های بالای درآمدی است.

### 3. مقایسه نرخ تورم ایران با بعضی از کشورهای جهان

از اواسط سال 2007، افزایش شدید قیمت نفت و مواد اولیه مهم‌ترین دلیل افزایش سطح قیمت‌ها در جهان بوده است. که میزان این افزایش در کشورهای مختلف، متفاوت بوده است. نرخ تورم در اقتصادهای نوظهور (به ویژه اقتصادهای آسیایی) در سال 2007 به 6/4 درصد رسید که در مقایسه با سال گذشته حدود یک واحد درصد افزایش داشت. این امر به همراه لزوم اعمال سیاست‌های پیشگیرانه (مانند کاهش نرخ بهره) برای جلوگیری از سرایت بحران مالی کشورهای پیشرفته به این اقتصادها، فشار متضادی را به فضای سیاست‌گذاری پولی اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه تحمیل نمود؛ چرا که تعدیل فشارهای تورمی مستلزم اتخاذ سیاست‌های انقباضی و در مقابل، محافظت اقتصاد در مقابل بحران و رکود اقتصادی مستلزم پی‌گیری سیاست‌های انبساطی بود. روند افزایشی نرخ تورم در سال 2008 نیز تداوم یافت. در این سال نیز افزایش قیمت‌ها در اقتصادهای نوظهور بیشتر از اقتصادهای پیشرفته بود. به طوری که نرخ تورم در کشورهای پیشرفته با 1/2 درصد افزایش از 2/2 درصد در سال 2007 به 3/4 درصد در سال 2008 رسید، در حالی که در همین مدت نرخ تورم اقتصادهای نوظهور از 6/4 درصد به 9/3 درصد افزایش یافت.

در کشورهای منطقه خاورمیانه نرخ تورم نیز در نتیجه افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی، افزایش تقاضای داخلی و محدودیت ظرفیت تولید به ویژه در بخش مسکن افزایش یافت. در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ورود تعداد بیشماری از کارگران و افزایش ثروت ساکنان داخلی، زمینه افزایش تقاضای مسکن را فراهم آورد. افزایش تقاضای داخلی بیشتر از به کارگیری سیاست‌های اقتصادی انبساطی و افزایش شدید در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ناشی می‌شد. در سال 2008 فشارهای تورمی در این گروه از کشورها همچنان ادامه یافت؛ هر چند که به دنبال کاهش قیمت مواد اولیه (به ویژه مواد غذایی و انرژی) از اواخر تابستان، از شدت این فشارها کاسته شد.

هادی (1385) در تحقیق خود نشان داد که کشش عرضه پول نسبت به مخارج دولت بیشتر از درآمد دولت است، در نتیجه تأثیر مخارج دولت بر سطح عمومی قیمت‌ها بیشتر از درآمد دولت است. پس باید گفت سطح عمومی قیمت‌ها از فعالیت دولت تأثیر می‌گیرد.

طیب‌نیا و فولادی (1388) نشان دادند که افزایش قیمت کالاهای صنعتی بیشترین تأثیر را بر سطح قیمت‌های داخلی دارد و افزایش خدمات، کمترین تأثیر را بر قیمت‌های داخلی نشان می‌دهد.

دلانو ویلانوا (1993) [7] نشان داد که تک نرخی شدن ارز در اقتصاد ایران دلیل بروز تورم بوده است و بر این نکته تأکید شده که اتخاذ سیاست‌های مالی انبساطی به دنبال این سیاست ارزی به فشارهای تورمی دامن زده است.

روبرت لونی (1985) [8] نشان داده است که افزایش واردات در ایران موجبات تخفیف فشارهای تورمی را فراهم آورده و باعث انتقال تورم به تراز پرداخت‌های خارجی گردیده است. به اعتقاد وی فقدان ظرفیت‌های تولیدی کافی و کارایی عمومی اندک در اکثر زیرساخت‌های عمده کشور، همزمان افزایش سریع قیمت‌ها را فراهم آورده است.

اولین لیو و آددجی (2000) [9] نشان دادند که همراهی معناداری بین نرخ رشد تولید و ارزش‌های وقفه‌دار آن وجود دارد. همچنین انبساط پولی در توضیح رشد و تولید معنادار نیست. بنابراین افزایش تولید در ایران متکی به افزایش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری کل عوامل می‌باشد و به منظور آزادسازی اقتصادی این افزایش تولید باید با حمایت سیاست‌های ساختاری تداوم یابد.

نتایج حاصل از تحقیقات متفاوت حاکی از آن است که تورم در ایران معلول عوامل متعددی می‌باشد، که از جمله می‌توان به رشد نقدینگی، کسری بودجه، کاهش ارزش پول ملی، درآمد نفت، هزینه مبادله، انتظارات تورمی، نرخ ارز، عدم استقلال بانک مرکزی و تورم کالاهای وارداتی اشاره کرد.

**جدول 1- نرخ تورم کشورهای مختلف طی دوره 2005-2008 (ارقام به درصد)**

نام کشور	2005	2006	2007	2008	نام کشور	2005	2006	2007	2008
ایالات متحده آمریکا	3/4	3/2	2/9	3/8	سوریه	7/2	10	3/9	15/7
آلمان	1/6	1/6	2/3	2/6	اردن	3/5	6/3	5/4	10/6
فرانسه	1/8	1/6	1/5	2/8	ترکیه	10/1	10/5	8/8	10/4
ایتالیا	2	2/1	1/8	3/3	ارمنستان	0/6	2/9	4/4	8/9
اسپانیا	3/4	3/5	2/8	4/1	عمان	1/9	3/2	6	12/1
ژاپن	-0/3	0/2	0/1	1/4	پاکستان	9/1	7/9	7/6	20/3
کانادا	2/2	2	2/1	2/4	افغانستان	12/1	3/5	17	22/7
دانمارک	1/8	1/9	1/7	3/4	تاجیکستان	7/1	10	13/1	20/5
ایران	13/4	11/9	17/2	25/5	قطر	8/8	11/8	13/8	15
عربستان سعودی	0/7	2/2	4/2	9/9	آذربایجان	11/6	8/3	16/7	53/4
کویت	4/1	3/1	5/5	10/6	چین	1/8	1/5	4/8	5/9
مصر	4/9	7/6	9/3	18/3	هند	4/2	5/8	6/4	8/4

مأخذ: بانک جهانی

توسعه عمرانی در کشور اجرا شد. در طول برنامه عمرانی سوم که دوره ثبات قیمت‌هاست اقتصاد به طور متوسط سالانه 10 درصد رشد داشته است. نقدینگی خصوصی به طور متوسط سالانه 16/1 درصد رشد داشته است، و رشد متوسط شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده 1/4 درصد در سال بوده است. دوره‌ای که برنامه عمرانی چهارم اجرا می‌شود، سطح عمومی قیمت‌ها شروع به افزایش می‌کند و پس از ثبات قیمت‌ها در دوره قبل، دوره‌ای شروع می‌شود که آرام آرام نرخ تورم افزایش می‌یابد. مهمترین تکانه برای اقتصاد ایران قبل از انقلاب را می‌توان تکانه نفتی سال 1353 دانست. در این دوران (1352-1356) افزایش قیمت نفت و به دنبال آن افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت، منجر به افزایش شدید نقدینگی شد. این مسأله همراه با افزایش اعتبارات به بخش‌های مختلف، تقاضای داخلی را به شدت افزایش داد اما، به دلیل ظرفیت محدود کشور برای جذب این دلارها، و عدم تعادل بین عرضه و تقاضای کل، در نهایت تورم شدیدی را به وجود آورد. کمبود زیر ساخت‌ها اعم از جاده، بندر، امکانات حمل و نقل، نیروهای متخصص و نبود مدیریت کارآمد باعث شد که بخش عرضه اقتصاد نتواند مازاد تقاضا را تأمین نماید، و در نتیجه قیمت‌ها افزایش یافت. یک پدیده نو ظهوری که اقتصاد ایران در این دوران با آن آشنا شد، پدیده تورم وارداتی بود. [11]

رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده در سال 2008 در قطر به 15 درصد و در کویت به 10/6 درصد رسید. عربستان سعودی نیز که به طور سنتی تورمی معادل 1 الی 2 درصد داشته در سال 2008 تورم 9/9 درصدی را تجربه کرده است. علاوه بر این، تضعیف دلار به افزایش قیمت‌ها در کشورهایی که پول آن‌ها به دلار قفل شده، کمک نمود.

از میان آمار منتشر شده مربوط به نرخ تورم توسط بانک جهانی در میان 177 کشور جهان در سال 2008 ایران با 25/5 درصد رتبه هفتم و کشورهای آذربایجان (53/4 درصد)، اتیوپی (44/4 درصد)، سیشل (37 درصد)، ونزوئلا (31/4 درصد)، میانمار (26/8 درصد)، کنیا (26/2 درصد) به ترتیب رتبه اول تا ششم نرخ تورم را دارا بوده‌اند. کمترین نرخ تورم نیز مربوط به کشور ژاپن (1/4 درصد) بوده است.

**4. بررسی روند قیمت‌ها قبل و بعد از انقلاب**

در این بخش به دلایل افزایش قیمت در دو دوره قبل و پس از انقلاب مختصراً اشاره می‌گردد.

**1-4. روند قیمت‌ها قبل از انقلاب**

در دوره زمانی 1351-1338 (دوره 13 ساله)، سه برنامه

در اوایل دهه پس از انقلاب، اقتصاد ایران با مشکلات عدیده‌ای مانند کمبود مواد اولیه، نامشخص بودن مالکیت تعدادی از واحدهای تولیدی، خروج تعداد زیادی از مدیران و کارشناسان صنایع از گردونه تولید و مشکلات دیگر روبرو شد. با بروز جنگ تحمیلی و تخریب صنایع طرف عرضه با محدودیت بیشتری مواجه شد، این موانع در مجموع، کمبودهایی را از نظر عرضه تولیدات داخلی ایجاد نمودند. واردات نیز که همواره به عنوان سیاست جبران عرضه استفاده می‌گردید طی این دهه قادر به تأمین کمبودهای عرضه کالاها نبود. از سوی دیگر افزایش سطح حقوق و دستمزد در جریان انقلاب موجبات افزایش بخشی از تقاضای کل و افزایش هزینه‌های تولید را فراهم نمود. لذا عوامل مذکور، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها طی اولین دهه پس از انقلاب را موجب گردیدند. وجود شرایط فوق سبب گردید که دولت بسته سیاسی کنترلی را اعمال نماید، سیاستی که سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و قیمت‌گذاری را در پی داشت. اقدامات دولت همراه با رفع تنگنای ارزی در سال‌های 1361 و 1362 سبب گردید تا در سال‌های 1363 و 1364 آهنگ نرخ تورم کاهش یابد. با این حال روند مزبور چندان تداوم نیافت و با کاهش بهای نفت طی سال‌های 1365-1367 در بازارهای جهانی، درآمدهای دولت شدیداً تحت تأثیر قرار گرفت و عرضه کل چه از جانب تولیدات داخلی (وابستگی بخش‌های مولد به ارز) و چه از جانب واردات تحت فشار قرار گرفت و مجدداً نرخ تورم روند فزاینده را پی گرفت. [12]

طی سال‌های برنامه اول توسعه، ثبات نسبی درآمد نفت و منابع ناشی از استقراض، رشد اقتصادی قابل ملاحظه و انعطاف‌پذیر شدن عرضه را در پی داشت. بهبود درآمدهای ارزی پس از جنگ به علت افزایش قیمت نفت و همچنین شروع استقراض خارجی برای تأمین سرمایه‌گذاری‌های جدید و توسعه و تکمیل سرمایه‌گذاری‌های قدیم، ظرفیت‌های خالی تولیدی به کار افتاده و رونق نسبی در اقتصاد ایجاد کرد. آزادسازی واردات که با اعلام طرح ارز ترجیحی - رقابتی برای واردات مواد اولیه و

قطعات یدکی مورد نیاز صنایع شروع شد و گسترش لیست اقلام وارداتی بدون انتقال ارز رشد بی‌سابقه‌ای در واردات ایجاد کرد. بدین ترتیب افزایش واردات و تولیدات داخلی، آزادی انتقال کالاهای مجاز از شهرهای مرزی، سیاست‌های جدید ارزی دولت مبتنی بر فروش ارز ترجیحی - رقابتی و جذب بخشی از نقدینگی از طریق اجرای این سیاست از یکسو و کاهش نرخ رشد نقدینگی و کسری بودجه از سوی دیگر را می‌توان از عمده‌ترین عوامل مؤثر در کاهش نرخ تورم در سال‌های 69 و 68 دانست. به‌علاوه در سال 69 با اجرای سیاست فروش ارز به نرخ شناور و رقابتی از یکسو و افزایش درآمدهای نفتی از سوی دیگر منابع عظیمی در اختیار دولت قرار گرفت. عرضه کل چه از جانب تولیدات داخلی و چه از جانب واردات رشد سریعتری نسبت به سال 68 یافت و در مجموع نرخ تورم از 17/4 درصد در سال 68 به 9 درصد در سال 69 کاهش یافت.

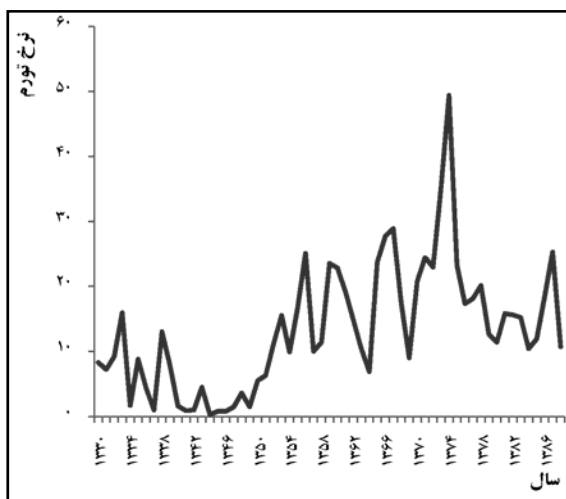
در سال 1370 عدم مدیریت مناسب در بخش ارزی کشور، شوک عرضه ناشی از کاهش ارزش رسمی ریال، افزایش هزینه‌های دولت به دنبال افزایش درآمدهایش - که ناشی از اعمال سیاست‌های جدید ارزی بود، اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و اصلاح ساختار نظام قیمت‌ها، رفته‌رفته ساز و کارهای تورمی را تقویت کرد و نرخ تورم رابه 20/7 درصد رساند.

در سال 1371 اجرای یکی از عمده‌ترین مراحل برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز و همچنین اصلاح ساختار قیمت‌ها به همراه گسترش وسیع حجم عملیات مالی دولت و رشد نسبتاً سریع نقدینگی از عوامل فشار بر سطح قیمت‌ها بود. به طوری که نرخ تورم در این سال به 24/4 درصد رسید.

در سال 1372 کسری شدید حساب ذخیره تعهدات ارزی منجر به رشد نقدینگی شد. در این سال سیاست‌های پولی و مالی انبساطی، و کاهش ارزش پول رسمی، سیاست‌های ناسازگاری بودند که فشار زیادی بر سطح عمومی قیمت‌ها وارد آورد و نرخ تورم به 22/9 درصد رسید.

در واقع در آستانه اجرای برنامه دوم توسعه، اقتصاد کشور با معضلاتی چون بحران بازپرداخت بدهی‌های خارجی، رشد نقدینگی و عدم تطابق عرضه و تقاضای کل، مواجه بود. در این سال رشد اقتصاد به دلیل فرا رسیدن زمان بازپرداخت تعهدات





مأخذ: محاسبات تحقیق

### شکل 1- روند نرخ تورم طی دوره (1330-1388)

از مهم‌ترین علل افزایش نرخ تورم در سال 1378 رشد نقدینگی، اثرات تأخیری ناشی از تأمین کسری بودجه قابل توجه دولت توسط بانک مرکزی و اوضاع نامطلوب ترازپرداخت‌ها در سال قبل بود. به طوری که نرخ تورم به 20/1 درصد رسید. البته افزایش بهای نفت در ماه‌های پایانی سال 78 اثرات مثبت خود را در این سال بر درآمدهای ارزی و بودجه دولت برجای گذاشت و به منظور استفاده از ابزارهای غیرمستقیم سیاست‌های پولی در این سال ابزار جدیدی تحت عنوان حساب سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی معرفی گردید تا با اتکا به ابزار نرخ سود، منابع آزاد بانک‌ها را جذب نماید.

شرایط اقتصادی کشور در اولین سال برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهبود یافت. به طوری که تولید ناخالص داخلی با رشدی معادل 5/1 درصد، یعنی حدی بالاتر از نرخ 4/5 درصدی پیش بینی شده در برنامه فوق مواجه گردید. تحولات مثبت در بازار جهانی نفت به همراه مقررات جدید تجارت خارجی منجر به بهبود وضعیت ترازپرداخت‌های کشور شد. همچنین کاهش انتظارات تورمی و نیز ثبات در بازار ارز منجر به کاهش نرخ تورم به 12/6 درصد در سال 79 شد.

تحولات مساعد بازار نفت در سال 79، وجود مازاد قابل توجه حساب ذخیره ارزی علی‌رغم نوسانات بهای نفت خام در بازارهای جهانی، خصوصاً پس از وقوع حوادث 11 سپتامبر و پایبندی دولت به اجرای سیاست‌های مالی غیرانبساطی تداوم اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی دولت را منجر شد. همچنین

ارزی کوتاه‌مدت تحت فشار قرار گرفته و به 1/6 درصد رسید. افزایش کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی در سال 1373 و تأمین این کسری توسط بانک مرکزی موجب شد تا نقدینگی از رشد سریعی برخوردار گردد که به نوبه خود باعث افزایش تقاضای کل شد. این عامل به همراه کاهش واردات، تقلیل نرخ رشد تولیدات داخلی، اصلاح ساختار قیمت‌ها و وجود انتظارات تورمی در جامعه، منجر به افزایش سریع سطح عمومی قیمت‌ها در سال 73 و 74 شد. به گونه‌ای که نرخ تورم به 35/2 درصد در سال 73 رسید.

رشد سریع نقدینگی به همراه آثار ناشی از اعلام تحریم اقتصادی کشور و در نتیجه تشدید انتظارات تورمی، از عمده‌ترین عوامل مؤثر بر تورم در سال 1374 می‌باشد به طوری که نرخ تورم به بالاترین مقدار خود 49/4 درصد رسید. لذا جهت آرام نمودن اوضاع نابسامان ارزی و نوسانات قیمت کالاها و خدمات دولت مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی نظیر سیاست تثبیت نرخ ارز، سیاست تنظیم بازار، تثبیت قیمت برخی از کالاها و تشدید مبارزه با قاچاق کالا را اعمال نمود که موجب شد تا انتظارات تورمی در سال 1375 کاهش یابد. کاهش مزبور از یکسو و افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و افزایش واردات به‌ویژه واردات کالاها از سوی اساسی که سبب عرضه بیشتر و وسیع‌تر کالاها گردید - از سوی دیگر از عمده‌ترین علل کاهش نرخ تورم بود. به طوری که نرخ تورم در این سال به 23/2 درصد رسید.

مجموعه سیاست‌های ضد تورمی با تأکید بر انضباط مالی و کنترل نقدینگی در سال 76 همچنان ادامه یافت همچنین کاهش فعالیت در بخش ساختمان و اعمال محدودیت در پرداخت‌های عمرانی موجب محدود شدن تقاضا گردید و این عامل همراه با رشد سریع تولید در برخی از صنایع و عرضه واحدهای ساختمانی ساخته شده در سال‌های گذشته باعث کاهش نرخ تورم به 17/3 درصد شد.

از مهم‌ترین علل افزایش نرخ تورم در سال 1377 افزایش تقاضای کل در نتیجه افزایش رشد نقدینگی در این سال و همچنین کاهش عرضه در نتیجه محدودیت‌های موجود در تولید بود. نرخ تورم در این سال به 18/1 درصد رسید. [13]

افزایش تقاضای داخلی و کاهش نرخ رشد نقدینگی باعث کاهش تورم به 11/4 درصد در سال 80 رسید.

مجموعه اقدامات و سیاست‌های اجرایی دولت در سه سال اول برنامه نتایج ارزشمندی را در زمینه کنترل تورم، تأمین مالی رشد تولید و سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال و منابع ارزی همراه داشت. نتایج مثبت فوق‌العاده همراه با سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده در سال 81، از جمله یکسان‌سازی نرخ ارز، ایجاد بازار بین بانکی ارز و اقدامات دیگر باعث شد که علی‌رغم رکود نسبی حاکم بر اقتصاد جهان و تحولات نامساعد بین‌المللی، به ویژه مناقشات سیاسی در خلیج فارس و احتمال حمله آمریکا به عراق، اقتصاد ایران در مسیر رشد مثبت و تعادل بلندمدت خود از لحاظ تولید و سرمایه‌گذاری قرار داشته باشد. اما رشد بطئی عرضه کل و رشد دایمی و قابل ملاحظه عوامل تشکیل دهنده تقاضای کل طی این دوره منجر به عدم توازن مزمین نیروهای عرضه و تقاضای کل در اقتصاد گردید. در اثر عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای کل مصوبات اداری منجر به افزایش قیمت‌ها طی سال‌های 81 و 82 به میزان 15/8 و 15/6 درصد گردید. [14]

نرخ تورم در سال 1383 به 15/2 درصد رسید. یکی از عوامل مؤثر بر نرخ تورم در این سال، رشد بالای نقدینگی بود؛ با وجود کاهش رشد اقتصادی در مقایسه با سال قبل، به دلیل رشد بالای واردات از جمله واردات کالاهای مصرفی، اثر کاهش رشد اقتصادی بر تورم محسوس نبود، لیکن رشد نقدینگی را نمی‌توان یگانه عامل تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها دانست.

در سال 1384 نرخ تورم به 10/4 درصد رسید. علی‌رغم رشد نقدینگی، از جمله عواملی که در کاهش تورم در این سال تأثیر داشته‌اند، می‌توان به رکود بازار مسکن که منجر به کاهش رشد اجاره بهای منازل مسکونی شد، افزایش واردات کالاهای مصرفی، اجرای طرح تثبیت قیمت‌ها، ثبات نسبی نرخ ارز، کاهش انتظارات تورمی به دنبال ثبات نرخ ارز، کاهش سرعت گردش پول، کاهش نرخ تعرفه بعضی از میوه‌ها که افزایش واردات و کاهش قیمت بعضی از آن‌ها را به دنبال داشت و رشد عرضه محصولات کشاورزی به دلیل شرایط مساعد جوی اشاره نمود.

در سال 1385 نرخ تورم روند صعودی به خود گرفت و به 11/9 درصد رسید. چالش‌های عمده‌ای همچون حجم وسیع فعالیت‌های دولت همراه با عدم توازن بین درآمدها و هزینه‌های

ریالی آن، عدم توجه به کارکرد بین نسلی حساب ذخیره ارزی جهت تأمین منابع مالی برای رشد بلندمدت اقتصادی و نهایتاً عدم استقلال عملیاتی بانک مرکزی در استفاده از ابزارهای پولی کارآمد و رشد شاخص مسکن که با 16 درصد رشد نسبت به سال قبل، 36/9 درصد از افزایش رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی را به خود اختصاص داد، از عوامل اساسی افزایش نرخ تورم در این سال بود.

در سال 1386، نرخ تورم علی‌رغم اعمال کنترل‌های دستوری قیمت برخی از کالاها و خدمات و افزایش قابل ملاحظه واردات کالاهای مصرفی، روند صعودی داشت و به 18/4 درصد رسید؛ به طوری که قیمت کالاهای مصرفی و ضروری خانوارها با افزایش قابل ملاحظه‌ای مواجه شد. افزایش شدید حجم نقدینگی، اعمال سیاست‌های انبساطی پولی و برداشت بی‌رویه از حساب ذخیره ارزی برای مصارف جاری از عوامل اصلی مؤثر در افزایش نرخ تورم در سال 1386 بودند.

در سال 1387 نرخ تورم به روند صعودی خود ادامه داد و به 25/3 درصد رسید. از جمله عواملی که در افزایش نرخ تورم در این سال تأثیر داشته‌اند می‌توان به افزایش قیمت برخی کالاها، کاهش درآمد نفت، خشکسالی شدید در سال زراعی (87-1386) را نام برد. در میان گروه‌های اصلی شاخص بهای خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها با رشدی معادل 30/2 درصد نسبت به سال قبل، سهمی معادل 35/4 درصد در رشد شاخص کل داشت. [15]

در سال 1388 نرخ تورم کاهش یافت و به 10/7 درصد رسید. کاهش تورم ریشه در عواملی چون بحران رکود جهانی، سیاست‌های انقباضی، رکود بازار مسکن در ایران و نیز نرخ ارز ثابت دارد که در کنار کاستن از تورم به رکود اقتصادی دامن زده‌اند. با توجه به تأثیری که نقدینگی در نوسان شاخص قیمت مصرفی دارد، اهمیت کنترل و مدیریت نقدینگی مشخص می‌شود. در مجموع باید مدیریت صحیح نقدینگی و هدایت آن در امور زیر بنایی در سرمایه‌گذاری و تولید در اولویت قرار گیرد، بانک مرکزی تا جایی که ممکن است به طور مستقل عمل کند تا بهتر به کنترل سیاست‌های پولی اتخاذ شده خود پردازد و از قدرت لازم برخوردار باشد. از سوی دیگر باید افزایش تولید با اصلاح ساختار تولیدی، اولویت‌بندی در سرمایه‌گذاری‌ها خصوصاً در استان‌های با تورم بالا، برنامه زمان‌بندی شده برای طرح‌ها و پروژه‌ها، افزایش کارایی، رفع

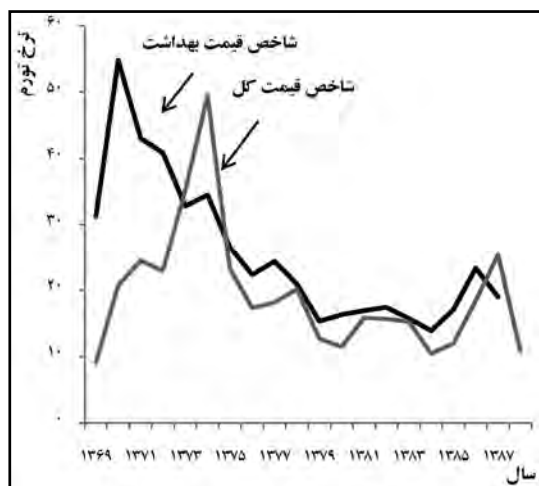
انحصارات، افزایش رقابت در تولید، افزایش صادرات و ارائه سود مناسب در بخش‌های تولیدی صورت گیرد.

در هر صورت مسأله اساسی تعادل بین عرضه کل و تقاضای کل است و هر چه رابطه حجم پول و تولید متناسب‌تر و متوازن‌تر و متعادل‌تر باشد، به همان نسبت تعادل پولی و مالی و اقتصادی برقرار خواهد شد، در غیر این صورت توازن و تعادل به هم می‌خورد و آثار جبران ناپذیر افزایش قیمت‌ها را به بار خواهد آورد. [16]

## 5. بررسی نرخ تورم در گروه‌های اختصاصی و اصلی

شاخص کل به سه گروه اختصاصی شامل: 1- کالا، 2- خدمت 3- مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها و 12 گروه اصلی شامل: 1- بهداشت و درمان 2- تحصیل 3- رستوران و هتل 4- دخانیات 5- خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها 6- مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها 7- پوشاک و کفش 8- کالاها و خدمات متفرقه 9- حمل و نقل 10 ارتباطات 11- اثاث و لوازم مورد استفاده در منزل 12- تفریح و امور فرهنگی تقسیم شده است. با بررسی نرخ تورم (سال پایه 1383) در گروه‌های اختصاصی و اصلی در جدول (2) مشخص شد که به ترتیب بهداشت و درمان، تحصیل و رستوران و هتل بیشترین نرخ تورم و تفریح و امور فرهنگی کمترین نرخ تورم را دارا می‌باشند. با توجه به اینکه شاخص قیمت بهداشت و درمان بالاترین نرخ تورم را در این زیر گروه به خود اختصاص داده در ادامه به

علل آن اشاره می‌شود.



مأخذ: محاسبات تحقیق

## شکل 2 مقایسه نرخ تورم شاخص قیمت کل و شاخص قیمت بهداشت

سطح تورم شاخص قیمت بهداشتی در طی سال‌های مورد بررسی به جز سال‌های 74 (اولین سال شروع بیمه‌ی همگانی)، 86 و 87 بالاتر از سطح تورم عمومی اقتصاد بوده است. در سال 71 رشد شاخص قیمت بهداشت به بالاترین میزان خود (54/8 درصد) رسید در حالی که نرخ تورم کل کشور در این سال (24/5 درصد) بوده است.

## جدول 2- میانگین و انحراف معیار نرخ تورم زیرشاخص کل طی دوره (1369-1388)

### ارقام میانگین به درصد

ردیف	شاخص	میانگین	انحراف معیار	ردیف	شاخص	میانگین	انحراف معیار
	کل	19/38	9/51	8	پوشاک و کفش	15/58	14/53
1	بهداشت و درمان	25/57	11/27	9	کالاها و خدمات متفرقه	15/07	15/30
2	تحصیل	24/17	10/84	10	کالا	14/84	20/09
3	رستوران و هتل	22/20	0/56	11	حمل و نقل	14/50	18/95
4	خدمت	19/86	22/19	12	ارتباطات	13/66	19/35
5	دخانیات	19/43	18/89	13	اثاث و لوازم مورد استفاده در منزل	12/62	18/83
6	خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها	17/02	22/61	14	تفریح و امور فرهنگی	11/83	20/66
7	مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها	16/55	20/89				

مأخذ محاسبات تحقیق

پرداخت گسترده یارانه، توسعه‌ی دسترسی به خدمات پایه، کنترل

دولت در دهه‌ی 60 برای مقابله با هزینه‌های بهداشت به

شدید قیمت و اعمال قیمت‌های غیرواقعی در سطح پایین، روی آورد. در اثر اجرای این سیاست‌ها رشد شاخص قیمت بهداشت و درمان طی دهه‌ی 60 بر خلاف روند طبیعی آن کمتر از سطح عمومی قیمت‌ها بود. همزمان با اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در اواخر دهه‌ی 60 و به منظور جبران خلأ ناشی از پایین نگه داشتن مصنوعی قیمت‌ها طی این دهه، قیمت‌های بخش بهداشت و درمان با سرعت بیشتری نسبت به سایر بخش‌ها رشد کرد. حتی اجرای قانون بیمه‌ی همگانی در سال 74 نیز نتوانست فشار ناشی از رشد شدید قیمت‌ها را بر افراد کشور خنثی کند و اثر آن بسیار موقتی بود. [17]

### 6. بررسی روند تورم بین استان‌ها

برای بررسی تحولات شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور به تفکیک استان‌های مختلف نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (نرخ تورم) محاسبه شده است. سپس بیشترین و کمترین نرخ تورم سالیانه را مشخص کرده و تفاوت تومی بین بیشترین و کمترین نرخ تورم محاسبه

### جدول 3- بیشترین و کمترین متوسط نرخ تورم در چهار دوره پنج ساله، دو دوره ده ساله و کل دوره ارقام به درصد

سال	بیشترین نرخ تورم	استان	کمترین نرخ تورم	استان	تفاضل
1369-72	27/4	هرمزگان	13/91	مازندران	13/49
1373-77	30/58	کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و فارس	25/16	هرمزگان	5/42
1378-82	16/58	ایلام	13/11	سیستان و بلوچستان	3/47
1383-87	18/16	لرستان	14/83	بوشهر و سیستان و بلوچستان	3/36
1369-77	27/55	چهارمحال و بختیاری	22	مازندران	5/55
1378-87	14/78	ایلام	11/5	سیستان و بلوچستان	3/28
1369-87 کل دوره	20/78	کهگیلویه و بویراحمد	18/46	مازندران	2/31

مأخذ: محاسبات تحقیق

دوره زمانی 69-77: استان چهارمحال و بختیاری با متوسط نرخ تورم (27/5 درصد) بیشترین نرخ تورم و استان مازندران با متوسط نرخ تورم (22 درصد) کمترین نرخ تورم را دارا می‌باشند. دوره زمانی 78-87: استان ایلام با متوسط نرخ تورم (14/8 درصد) بیشترین نرخ تورم و استان سیستان و بلوچستان با متوسط نرخ تورم (11/5 درصد) کمترین نرخ تورم را دارا

شده و نتایج در جدول نشان داده شده است. [18]  
همچنین متوسط نرخ تورم برای چهار دوره‌ی پنج ساله، دو دوره‌ی ده ساله و برای کل دوره محاسبه شده و بیشترین و کمترین نرخ تورم در جدول شماره (3) گزارش شده است.

دوره زمانی 69-72: بیشترین نرخ تورم مربوط به استان هرمزگان (27/4 درصد) و کمترین نرخ تورم مربوط به استان مازندران (13/91 درصد) می‌باشد.

دوره زمانی 73-77: بیشترین نرخ تورم مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد (30/58 درصد) و کمترین نرخ تورم مربوط به استان هرمزگان (25/16 درصد) می‌باشد.

دوره زمانی 78-82: بیشترین نرخ تورم مربوط به استان ایلام (16/58 درصد) و کمترین نرخ تورم مربوط به استان سیستان و بلوچستان (13/11 درصد) می‌باشد.

در سال‌های 83-87: بیشترین نرخ تورم مربوط به استان لرستان (18/16 درصد) و کمترین نرخ تورم مربوط به استان بوشهر (14/83 درصد) می‌باشد.

می‌باشند.

در بررسی کل دوره، (87-1369) استان کهگیلویه و بویراحمد با متوسط نرخ تورم (20/8 درصد) بیشترین نرخ تورم و استان مازندران با متوسط نرخ تورم (18/5 درصد) کمترین نرخ تورم را دارا می‌باشند.

با بررسی بیشترین و کمترین نرخ تورم سالیانه در جدول

شماره (4) نتایج زیر بدست می‌آید:

1- بیشترین تفاوت تورمی به ترتیب مربوط به سال‌های 71، 74 و 69 می‌باشد و کمترین تفاوت تورمی مربوط به سال‌های 84 و 72 می‌باشد.

2- در سال 71 بیشترین نرخ تورم (51/3 درصد) مربوط به استان هرمزگان و کمترین نرخ تورم (20/7 درصد) مربوط به استان ایلام می‌باشد، و تفاضل بین آن‌ها (30/5 درصد) می‌باشد.

3- در سال 74 بیشترین نرخ تورم (61/9 درصد) مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد و کمترین نرخ تورم (40/8 درصد) مربوط به استان هرمزگان می‌باشد، و تفاضل بین آن‌ها (21/14 درصد) می‌باشد.

4- در سال 84 بیشترین نرخ تورم (12/6 درصد) مربوط به استان کرمانشاه و کمترین نرخ تورم (7/9 درصد) مربوط به استان بوشهر می‌باشد، و تفاضل بین آن‌ها (4/7 درصد) می‌باشد.

5- در سال 72 بیشترین نرخ تورم (25/3 درصد) مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد و کمترین نرخ تورم (20/2 درصد) مربوط به استان ایلام می‌باشد، و تفاضل بین آن‌ها (5/1 درصد) می‌باشد.

نکته جالب توجه این که استیفن و دیگران (2002) [19] در نتایج حاصل از بررسی پویایی شاخص قیمت برای 19 شهر اصلی ایالات متحده نشان دادند که تفاوت‌های تورمی در یک دوره 10 ساله از زمان، دوره‌ای ظاهراً طولانی دوام می‌آورد و این تفاوت‌ها معکوس یکدیگر می‌باشند، بدین گونه که تورم بالای نیویورک سیتی در دهه‌ی 1995-1986 دنباله‌رو تورم نسبتاً پایین در دهه قبلی بوده است. در واقع معکوس شدن روند نشانگر این حقیقت است که تفاوت‌های تورمی در یک مقیاس دهه‌ای از زمان از بین می‌رود. همچنین افزایش بازه زمانی از 10 به 20 سال، تفاوت‌های تورمی کوچکتری را نشان داده است. در تحقیق حاضر نیز نتایج نشان می‌دهد که تفاوت‌های تورمی بین استان‌ها معکوس یکدیگرند. بدین معنا که استان‌هایی با بالاترین نرخ تورم در یک سال، در سال‌های آتی کمترین نرخ تورم را دارا می‌باشند که چند نمونه از آن عبارتند از:

- استان هرمزگان کمترین نرخ تورم (13/4 درصد) در سال 73 را پس از تورم بسیار بالای (51/3 درصد) در سال 71 تجربه کرده است.

- استان کهگیلویه و بویراحمد با تورم بسیار بالای (61/9 درصد) در سال 74، بلافاصله در سال 75 کمترین نرخ تورم (16/2 درصد) را تجربه کرده است.

- استان خوزستان کمترین نرخ تورم (11/9 درصد) در سال 76 را به دنبال بالاترین نرخ تورم (31/8 درصد) در سال 75 کسب کرده است.

به عبارتی این معکوس شدن روند می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که تفاوت‌های تورمی بین استان‌ها طی زمان از بین می‌رود و روند قیمت بین استان‌ها در بلندمدت به هم نزدیک و همگرا می‌شود. در دوره مورد بررسی به دلیل کنترل قیمت‌ها و نظام واحد قیمت‌گذاری کالاها توسط وزارت بازرگانی در استان‌های مختلف، معکوس شدن تفاوت‌های تورمی در یک دوره یک یا دو ساله اتفاق افتاده و به سرعت تعدیل شده است.

در مقایسه مطالعات خارجی با این مطالعه می‌توان گفت که تفاوت برخی نتایج (معکوس شدن تفاوت تورمی در یک مقیاس دهه‌ای از زمان) به دلیل آن است که در این کشورها اصولاً ایالت‌ها در قیمت‌گذاری مستقل عمل می‌نمایند در حالی که در ایران قیمت‌گذاری به صورت متمرکز توسط دولت مرکزی انجام می‌شود. اخیراً بعد از اجرای هدفمندی یارانه‌ها با توجه به واقعی شدن قیمت برخی از کالاها در ایران نیز در مورد قیمت‌گذاری برخی از این اقلام مانند نان، شیر و برخی اقلام دیگر تصمیم‌گیری در مورد قیمت‌ها به استانداران تفویض اختیار شده است که می‌توان قیمت‌های متفاوت برای یک کالا را در استان‌های مختلف شاهد بود، لذا می‌توان تفاوت قیمتی بیشتر و به تبع آن معکوس شدن تفاوت‌های تورمی در مدت زمان طولانی‌تر را انتظار داشت.

نکته جالب توجه دیگر اینکه نرخ تورم در سال 1369 برای استان مازندران (6/33- درصد) بوده که رشد منفی قیمت و به عبارتی کاهش قیمت‌ها را نشان داده و از این لحاظ طی کل دوره بی‌نظیر می‌باشد.

جدول 4- بیشترین و کمترین نرخ تورم سالیانه و تفاضل بین آن‌ها طی دوره 87-1369 (ارقام به درصد)

سال	استان	بیشترین نرخ تورم	استان	کمترین نرخ تورم	تفاضل
1369	یزد و بوشهر	14/28	مازندران	-6/33	20/61
1370	چهارمحال و بختیاری	23/88	همدان و بوشهر	16/43	7/45
1371	هرمزگان	51/28	ایلام	20/73	30/55
1372	کهگیلویه و بویراحمد	25/26	ایلام	20/2	5/06
1373	کهگیلویه و بویراحمد	41/17	هرمزگان	27/77	13/4
1374	کهگیلویه و بویراحمد	61/9	هرمزگان	40/76	21/14
1375	خوزستان	31/81	کهگیلویه و بویراحمد	16/17	15/64
1376	آذربایجان شرقی	22/04	خوزستان	11/91	10/13
1377	کرمانشاه	23/52	هرمزگان	14/13	9/39
1378	خوزستان	23/41	اردبیل	16/59	6/82
1379	تهران	15/21	هرمزگان	9/84	5/37
1380	تهران	14/61	آذربایجان غربی	6/56	8/05
1381	گیلان	19/56	سیستان و بلوچستان	12/53	7/03
1382	ایلام	23/18	سیستان و بلوچستان	11/76	11/42
1383	فارس	19/33	گیلان	11/35	7/98
1384	کرمانشاه	12/6	بوشهر	7/9	4/7
1385	ایلام	15/39	بوشهر	9/63	5/76
1386	ایلام	21/66	سمنان	14/85	6/81
1387	همدان	28/27	کرمان	19/57	8/7

مأخذ: محاسبات تحقیق

با بررسی میانگین و انحراف معیار نرخ تورم استان‌های مختلف طی دوره‌ی (87-1369) در جدول (5) می‌توان دریافت که: استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان و کردستان از نظر میانگین نرخ تورم به ترتیب با (20/87، 20/8، 20/74، 20/72، 20/7 درصد) بیشترین نرخ تورم و استان‌های مازندران با (18/5 درصد) کمترین نرخ تورم را دارا می‌باشند. استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و مازندران از نظر انحراف معیار به ترتیب با (12/55، 11/28) بیشترین انحراف معیار و استان‌های کرمان و تهران به ترتیب با (8/96، 9/15) کمترین انحراف معیار را طی کل دوره دارا می‌باشند.

جدول 5- میانگین و انحراف معیار نرخ تورم استان‌های مختلف طی دوره (1387-1369)

ارقام میانگین به درصد

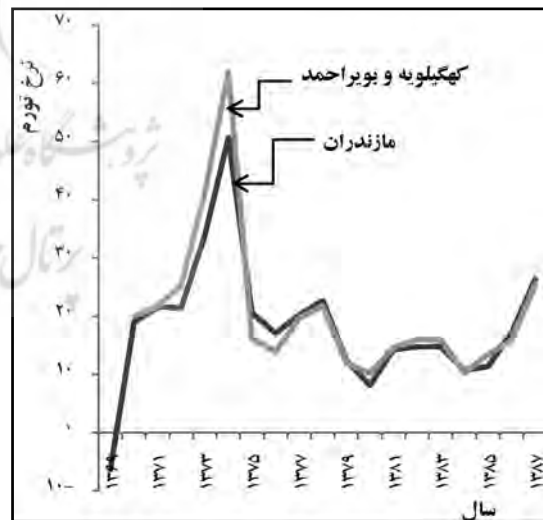
ردیف	استان	میانگین	انحراف معیار	ردیف	استان	میانگین	انحراف معیار
	کل کشور	19/83	9/55	13	اصفهان	19/91	9/45
1	کهگیلویه و بویراحمد	20/87	12/55	14	مرکزی	19/82	9/23
2	ایلام	20/8	9/79	15	آذربایجان شرقی	19/79	9/67
3	چهارمحال و بختیاری	20/74	10/07	16	گیلان	19/75	10/87
4	هرمزگان	20/72	10/77	17	همدان	19/73	10/26
5	کردستان	20/7	9/45	18	خراسان	19/68	10/05
6	لرستان	20/45	9/2	19	یزد	19/64	10/02

ردیف	استان	میانگین	انحراف معیار	ردیف	استان	میانگین	انحراف معیار
7	خوزستان	20/41	10/76	20	سمنان	19/46	10/29
8	فارس	20/35	10/62	21	بوشهر	19/4	10/91
9	اردبیل	20/24	10/39	22	کرمان	19/4	8/96
10	تهران	20/02	9/15	23	آذربایجان غربی	19/23	9/35
11	زنجان	19/98	9/86	24	سیستان و بلوچستان	19/18	10/01
12	کرمانشاه	19/95	9/45	25	مازندران	18/47	11/28

مأخذ: محاسبات تحقیق

همچنین در سال 1387 در بین استان‌های کشور، تهران و همدان به ترتیب با 27/6 و 27 درصد بالاترین و استان کرمان با 19/6 درصد پایین‌ترین نرخ تورم را داشتند. [20]

با بررسی روند تورم در استان‌ها طی ادوار مختلف می‌توان به این نتیجه کلی رسید که علی‌رغم این که انتظار این است که طی طول دوره مورد بررسی در استان‌های بزرگ و کلان شهرها، نرخ تورم بیشترین میزان باشد، چنین پدیده‌ای مشاهده نشده است. بیشترین نرخ تورم اغلب در استان‌های کوچک و محروم همچون کهگیلویه و بویر احمد، ایلام و چهارمحال و بختیاری وجود داشته است و استان‌های بزرگ و برخوردار را کمتر دربر گرفته است که نشان‌دهنده‌ی وارد آمدن فشار بیشتر تورم بر اقشار محروم جامعه است.



مأخذ: محاسبات تحقیق

### شکل 3- مقایسه روند نرخ تورم در استان

#### مازندران و استان کهگیلویه و بویراحمد

با توجه به این که در بین گروه‌های اصلی شاخص قیمت کل گروه مسکن آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها با ضریب اهمیت 28/60 درصد، گروه خوراکی و آشامیدنی‌ها با 28/49 درصد و حمل و نقل با 11/97 درصد به ترتیب بیشترین وزن را در شاخص قیمت کل دارا می‌باشند و بالاترین ضرایب را در بررسی نرخ تورم دارا هستند، این سه شاخص از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند به طوری که اگر نرخ رشد آن‌ها مهار و به صفر نزدیک شود، تقریباً 70 درصد تورم کنترل شده تلقی می‌شود. از سوی دیگر متفاوت بودن هزینه‌ی این سه گروه در بین استان‌های مختلف کشور باعث ایجاد تفاوت نرخ تورم بین استان‌ها می‌شود. در خصوص شاخص قیمت مسکن و حمل و نقل با توجه به غیرتجاری بودن این دو گروه و عدم تحقق مکانیزم آریترایژ برای یکسان‌سازی قیمت‌ها، تفاوت قیمتی بیشتری در بین استان‌ها وجود دارد. علاوه بر این در مورد مسکن تفاوت‌های فاحش منطقه‌ای در خصوص قیمت زمین و ساخت و ساز در استان‌های مختلف وجود دارد هر چند که شاخص قیمت مسکن در تهران یا شهرهای بزرگ در بعضی موارد رشد بیشتری را نشان می‌دهد اما تغییرات سایر شاخص‌ها حاکی از آن است که بیشترین تسهیلات خصوصاً در زمینه حمل و نقل (مانند شبکه اتوبوسرانی، مینی بوسرانی، مترو، خطوط راه آهن بین شهری و حمل و نقل بین شهری) که در بیشتر مبانی نظری به عنوان تفاوت منطقه‌ای مطرح شده است به استان‌های بزرگ تخصیص داده شده و باعث رشد کندتر قیمت‌ها در این شاخص شده است. علت این امر را می‌توان در سیاست‌های دولت در بخش حمل و نقل در کلیه استان‌ها، مثلاً یکسان نبودن ارائه خدمات عمومی حمل و نقل، محدودیت‌های حمل و نقل کالا و خدمات در بین استان‌ها و

خصوصاً قوانین و سیاست‌های محدودیت گمرکی در استان‌های مرزی دانست.

در مورد شاخص قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در استان‌های بزرگ و برخوردار که بیشترین جمعیت را در خود جای داده است توجه به کنترل قیمت‌ها و وجود مراکز توزیع و تولید گسترده، مانند میادین میوه و تره‌بار، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، قدس، شهروند و سایر مراکز توزیع عمده و همچنین توزیع بعضی کالاهای اساسی مانند گوشت منجمد و گوشت مرغ به قیمت مصوب وزارت بازرگانی و وزارت جهاد کشاورزی در این مراکز، سبب شده است که در این استان‌ها دسترسی به کالاها و خدمات آسان‌تر و ارزان‌تر و نرخ تورم کمتر باشد. همچنین در استان‌های بزرگی مانند تهران، اصفهان، خراسان و آذربایجان که امکانات تولید کالاهای اصلی و مورد نیاز مردم همچون پوشاک، کفش و سایر اقلام غیرخوراکی بیشتر وجود دارد، کالاها با قیمت پایین‌تر تولید و توزیع شده و به دست مصرف‌کننده می‌رسد، در صورتی که انتقال و توزیع این کالاها به سایر استان‌های کوچکتر همسایه با قیمت بالاتر صورت می‌گیرد.

تفاوت بین امکانات مالی و رفاهی استان‌های مختلف کشور، شکاف نسبتاً عمیقی بین استان‌های برخوردار و محروم کشور ایجاد کرده است. وضعیت رفاهی استان‌های مختلف بسیار متفاوت می‌باشد به طوری که استان‌های محروم کشور از امکانات زیربنایی، آموزشی، بهداشت و درمان، فعالیت‌های خدماتی و تولیدی کمتر بهره‌جسته‌اند. قسمت اعظم بودجه در استان‌های برخوردار توزیع و هزینه شده و سهم استان‌های محروم ناچیز و کم در نظر گرفته شده است به طوری که فاصله این استان‌ها با استان‌های برخوردار روزه‌روز زیادتر می‌شود. ظرف سال‌های گذشته غالب بودجه سرمایه‌گذاری‌ها و طرح‌های اشتغال‌زا به سوی استان‌های برخوردار سرازیر شده تا حدی که امکانات در برخی از استان‌ها نظیر تهران به حد اشباع رسیده است. اما خصوصاً در نواحی مرزی محرومیت‌های اقتصادی به احساس عدم امنیت اقتصادی و روانی و در پی آن مهاجرت مردم به مناطق برخوردار دامن زده است. پس باید استراتژی‌های محرومیت‌زدایی در استان‌ها به گونه‌ای که زمینه لازم جهت

ارتقاء این استان‌ها به حد متوسط کشور فراهم شود اتخاذ گردد و رشد متوازن استان‌ها باید در اولویت سیاست‌های اقتصادی دولت قرار گیرد. توزیع مراکز صنعتی، تجاری، اقتصادی، بهداشتی و آموزشی بین استان‌ها، عادلانه صورت گیرد زیرا تجمع مراکز صنعتی، بهداشتی و آموزشی در چند استان خاص باعث کاهش سهم استان‌های دیگر از امکانات و درآمد و افزایش اختلاف بین استان‌ها در تمامی سطوح می‌شود.

## 7. روند پراکندگی نرخ تورم بین استان‌ها

برای مشخص شدن میزان متفاوت بودن نرخ تورم بین استان‌های مختلف و این که پراکندگی نرخ تورم بین استان‌ها در طی دوره‌ی مورد بررسی افزایش داشته است یا کاهش، از واریانس نرخ تورم استفاده می‌شود.

بدین منظور برای بررسی روند پراکندگی نرخ تورم بین استان‌ها ابتدا توسط معادله (3) واریانس نرخ تورم را محاسبه کرده، اگر مقدار واریانس در ابتدای دوره نسبت به انتهای دوره کاهش یابد، بدین معناست که میزان پراکندگی نرخ تورم و تفاوت تورمی بین استان‌ها کاهش یافته است.

$$V_t = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N [R_{it} - m_t]^2 \quad (3)$$

در این رابطه  $R_{it}$  نرخ تورم استان  $i$  ام در زمان  $t$ ،  $m_t$  میانگین نرخ تورم در سال مورد بررسی بین استان‌ها،  $N$  تعداد استان‌ها و  $V_t$  میزان پراکندگی تورم را در بین استان‌ها نشان می‌دهد. به طوری که هر چه  $V_t$  کوچکتر باشد کاهش پراکندگی و شکل‌گیری همگرایی را بین استان‌ها تأیید می‌کند.

نمودار (4) روند پراکندگی نرخ تورم را طی کل دوره نشان می‌دهد، می‌توان گفت که پراکندگی نرخ تورم در سال‌های 71-70، 74-72، 82-79 و 87-84 افزایش داشته است ولی در کل دوره از 19/7 در سال 1369 به 3/6 در سال 1387 کاهش یافته است. بدین معنا که تفاوت تورمی بین استان‌ها در دوره مورد بررسی کاهش یافته است و نرخ تورم در استان‌های مختلف به هم نزدیک شده است.

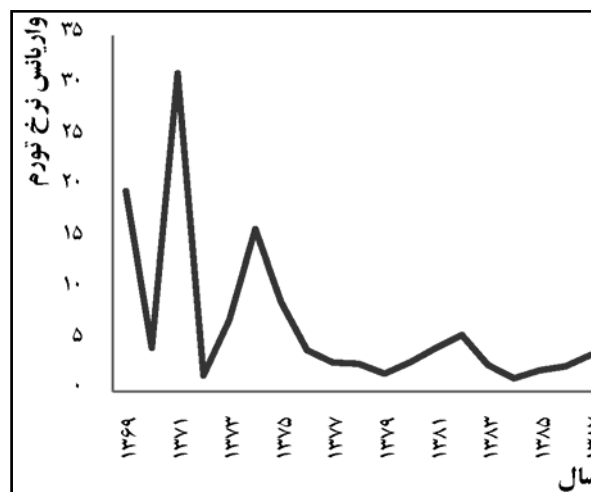


قیمت بین استان‌ها در بلندمدت به هم نزدیک و همگرا می‌شود. به همین علت میانگین تورم استان‌ها طی دوره بیست ساله به هم نزدیک است و تفاوت بیشترین و کمترین نرخ تورم طی دوره‌ی 1387-1369 تنها (2/4) درصد می‌باشد.

در بررسی نرخ تورم در گروه‌های اختصاصی و اصلی مشخص شد که به ترتیب بهداشت و درمان، تحصیل و رستوران و هتل بیشترین نرخ تورم و تفریح و امور فرهنگی کمترین نرخ تورم را دارا می‌باشند. نرخ تورم بهداشت و درمان در طی سال‌های مورد بررسی به جز سال‌های 74 (اولین سال شروع بیمه همگانی)، 86 و 87 بالاتر از سطح تورم عمومی اقتصاد بوده است. در سال 71 رشد شاخص قیمت بهداشت به بالاترین میزان خود (54/8 درصد) رسید، در حالی که نرخ تورم کل کشور در این سال (24/5) درصد بوده است.

دخالت دولت در تعیین دستمزد و قیمت به صورت دستوری که با هدف کنترل تورم صورت گرفته، در بلندمدت تأثیرات ناچیزی داشته است. در بلندمدت نیز به این دلیل که این روش باعث غیرمنطقی کردن قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات و ایجاد عدم تعادل در برخی بازارها خواهد شد، نتیجه‌ای جز تخصیص غیر بهینه منابع در بر نخواهد داشت و اثرات تعیین‌کننده روی متغیرهای اساسی اقتصاد نخواهد گذاشت.

به طور کلی نتایج حاصل از تحقیقات متفاوت حاکی از آن است که تورم در ایران معلول عوامل متعددی می‌باشد. بنابراین یک نظریه خاص به تنهایی قادر به توضیح نوسانات تورمی در اقتصاد ایران نیست. به طور کلی بسیاری از عوامل مؤثر بر تورم ریشه در ساختار اقتصاد ایران دارند. از میان عوامل ساختاری موجد تورم، می‌توان به درآمد نفت، اتکای شدید منابع بودجه به عواید نفت، کسری بودجه، سهم بالای هزینه عوامل تولید خارجی در قیمت تمام شده محصولات داخلی، کاهش قیمتی پایین عرضه محصولات، انتظارات تورمی، رشد نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی، هزینه مبادله، انتظارات تورمی، نرخ ارز، عدم استقلال بانک مرکزی و تورم کالاهای وارداتی اشاره کرد. برای کنترل تورم باید ساختار مالی دولت اصلاح شود و همچنین دولت و بانک مرکزی در اعمال سیاست‌های مالی و پولی هماهنگی



مأخذ: محاسبات تحقیق

#### شکل 4- روند پراکندگی نرخ تورم در بین استان‌ها

#### جمع‌بندی و ملاحظات

با بررسی نرخ تورم در طی دوره‌های مختلف در بین استان‌های مختلف کشور مشخص می‌شود که بیشترین نرخ تورم را اغلب استان‌های کوچک و محروم همچون کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری تجربه کرده است و استان‌های بزرگ و برخوردار را کمتر دربر گرفته است. که نشان‌دهنده وارد آمدن فشار بیشتر تورم بر اقشار محروم جامعه است. تفاوت بین امکانات مالی و رفاهی استان‌های مختلف کشور بسیار زیاد می‌باشد. دولت باید با شناخت و شناسایی نقاط ضعف شاخص‌های مختلف در استان‌های کشور به خصوص استان‌های محروم و کمک در جهت ارتقای این شاخص‌ها به حد متوسط کشوری در جهت رفع محرومیت این استان‌ها اقدام نماید. تا دوگانگی موجود بین استان‌ها تعدیل گردد.

روند پراکندگی نرخ تورم بین استان‌ها کاهش تفاوت تورمی بین استان‌ها را در دوره مورد بررسی نشان می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تفاوت‌های تورمی بین استان‌ها معکوس یکدیگرند. بدین معنا که استان‌هایی با بالاترین نرخ تورم در یک سال، در سال‌های آتی کمترین نرخ تورم را دارا می‌باشند. این معکوس شدن روند می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که تفاوت‌های تورمی بین استان‌ها طی زمان از بین می‌رود و روند

لازم را داشته باشند.

10. خلاصه تحولات اقتصادی، 1387.

11. عباسی نژاد و تشکینی، 1383.

12. گروه کارشناسان معاونت امور اقتصاد و دارایی، 1383.

13. ترازنامه و خلاصه تحولات بانک مرکزی، سال‌های مختلف

14. فریادرس، 1385.

15. ترازنامه و خلاصه تحولات بانک مرکزی، سال‌های مختلف

16. فریادرس، 1385.

17. امینی و دیگران، 1385.

18. آمار مربوط به شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در

استان‌ها از سال 68 موجود بوده است و مأخذ تمامی آمارهای

مورد استفاده در این تحقیق اداره‌ی بررسی‌های بانک مرکزی

می‌باشد.

19. Stephen g. Cecchetti, Nelson c, Mark, and Robert j. Sonora, 2002.

20. پیوست، جدول الف.

## منابع

امینی، نجات، حسین یدالهی و صدیقه اینانلو، «رتبه‌بندی سلامت

استان‌های کشور»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی،

سال پنجم، شماره 20، 1385.

بافکر، آرزینا، بررسی علل تورم در ایران به روش همجمعی

(1374-1338)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد

دانشگاه شهید بهشتی.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ترازنامه بانک مرکزی،

سال‌های مختلف.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی

کشور، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال‌های

مختلف.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات بودجه خانوار و

شاخص قیمت‌ها، سال‌های 1387-1368.

ترابی، علی، بررسی آثار حجم پول بر فرایند تورم در ایران طی سه

دهه اخیر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا

دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه اقتصاد، 1382.

## پیشنهادات

1- محدودیت‌های حمل و نقل کالا و خدمات در بین استان‌ها و

خصوصاً قوانین و سیاست‌های محدودیت گمرکی در

استان‌های غربی کشور مورد بازنگری و تجدیدنظر قرار گیرد

تا با سیاست‌ها در سایر مرزهای کشور همخوانی به وجود آید.

2- در مورد حمل و نقل به خصوص در مورد خدمات حمل و نقل

عمومی درون شهری (خصوصاً افزایش خدمات اتوبوس‌رانی،

تاکسی‌رانی و راه‌اندازی مترو) و بین شهری توجه ویژه‌ای به

سایر استان‌ها به جز استان‌های بزرگ شود. همچنین در

بازتوزیع طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به ویژگی‌های

جغرافیایی و جمعیتی استان‌ها (کوهستانی بودن، درجه

حرارت و میزان فعالیت اقتصادی و...) توجه شود.

3- تفاوت فاحش منطقه‌ای در خصوص قیمت زمین و ساخت و

ساز وجود دارد که باید سیاست‌هایی مانند اجرای مسکن مهر

برای کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای اتخاذ و در یک بسته

سیاستی کامل طراحی و اجرا شود.

4- در مورد بهداشت، چون اکثر بیمارستان‌های تخصصی در

شهرهای بزرگ متمرکز هستند، خدمات بهداشتی - درمانی،

بستری و سایر خدمات کلینیکی و پاراکلینیکی در استان‌های

کوچکتر دارای هزینه بالاتری است که باید بر اساس یک

طرح آمایش صحیح، وضعیت فعلی مورد بازنگری قرار گرفته

و امکانات بهداشتی کشور به طور عادلانه تقسیم شود.

## پی‌نوشت

1. Consumer Price Index.

2. Quantity Theory of Money.

3. Equation of Exchange.

4. Adaptive Expectation.

5. Rational Expectation.

6. مسعودی و تشکینی احمد، 1384.

7. Delano, Villanueva, 1993.

8. Liu, Olin, 1996.

9. Looney, R E.

تا 1382، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س)، 1385.

کازرونی، علیرضا و برات اصغری، آزمون مدل کلاسیک تورم در ایران روش همگرایی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره 23، تابستان 1381.

گروه کارشناسان معاونت امور اقتصاد و دارایی، ربع قرن نشیب و فراز، بررسی تحولات اقتصادی کشور طی سال‌های 1358-1382، انتشارات پایگان، چاپ اول، 1383.

محنت‌فر، یوسف، سید مجتبی مجاوریان و تورج دهقانی، ارزیابی عوامل مؤثر بر سطح عمومی قیمت‌ها در اقتصاد ایران، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره 3، شماره 4، زمستان 85. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، 1386.

قوام مسعودی، زهره و احمد تشکینی، زهره، 1384، «تحلیل تجربی تورم در اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره 36، 105-1375.

معروف خانی، علی، بررسی ارتباط کسری بودجه دولت و تورم در اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، 1378.

نصراصفهانی، رضا و کاظم یآوری، «عوامل اسمی و واقعی مؤثر بر تورم در ایران - رهیافت خودرگرسیون برداری (VAR)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره 16، صص 99-69، 1382.

نیلی، مسعود، «بررسی آثار افزایش حجم پول بر نظام اقتصادی کشور در دو دهه اخیر»، برنامه و توسعه، شماره 3، دور اول، صص 89-119، 1364.

هادی، محمد، رابطه بین تورم و حجم پول در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم انسانی، 1386.

Delano, Villanueva. The Macroeconomic Effects of Rate Unification, with Special Reference to the Islamic Republic of Iran, pp. 256-270, 1993.

Liu, Olin. Estimation of the Money Demand Function for I.R. of IRAN, IMF, Middle Eastern Department, 1996.

Looney, R E. Economic Origins of the Iranian

داودی زنجانی، شبنم، اثر استقلال بانک مرکزی بر تولید و تورم: یک مطالعه بین کشوری (1980-1998)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، 1385.

رسایی، سعید، بررسی اثرات افزایش قیمت حامل‌های انرژی، بر تورم و بودجه دولت (با استفاده از جدول داده - ستانده)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، 1378.

رضایی صوفلو، آرزو، تأثیر افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی (تا سطح قیمت جهانی) بر روی تورم و هزینه خانوار به تفکیک دهک‌های درآمدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، 1385.

رفیعیان، راحله، همگرایی قیمت بین استان‌های مختلف ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان، 1388.

شافع، مهیبز، ارتباط متقابل اقتصاد جهانی (رشد و رکود و تورم اقتصاد جهانی) با قیمت جهانی نفت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، 1385.

طیب‌نیا، علی و فولادی، معصومه، بررسی آثار افزایش قیمت‌های جهانی بر سطح قیمت‌های داخلی، تراز تجاری و نرخ ارز، با استفاده از یک مدل تعادل عمومی محاسبه‌ای، مجله تحقیقات اقتصادی، صص 184-157، 1387.

طیبیان، محمد و سوری، داود، ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران، اثر نرخ ارز و متغیرهای پایه‌ای اقتصاد بر نرخ تورم، پژوهشنامه بازرگانی، شماره 1 زمستان 75، 1375.

عباسی نژاد، حسین و تشکینی، احمد، آیا تورم در ایران یک پدیده پولی است؟، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 67، 1383.

عمادزاده، مصطفی، صمدی، سعید، حافظی، بهار، «بررسی عوامل (پولی و غیر پولی) مؤثر بر تورم در ایران (1382-1338)»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شماره 19، پاییز 84.

فریادرس، نیلوفر، بررسی علل تورم در ایران طی سال‌های 1338

**پیوست**

**جدول الف - نرخ تورم سالانه استان‌های مختلف کشور در سال 1387 ارقام به درصد**

نرخ تورم	استان	ردیف	نرخ تورم	استان	ردیف
24/45	سیستان و بلوچستان	13	25/30	کل کشور	
24/21	فارس	14	22/97	آذربایجان شرقی	1
25/45	کهگیلویه و بویراحمد	15	22/45	آذربایجان غربی	2
26/18	کردستان	16	25/24	اردبیل	3
19/58	کرمان	17	25/51	اصفهان	4
22/73	کرمانشاه	18	24/71	ایلام	5
25/90	گیلان	19	21/85	بوشهر	6
26/56	لرستان	20	27/65	تهران	7
26/37	مازندران	21	24/37	چهارمحال و بختیاری	8
25/55	مرکزی	22	22/37	خراسان	9
25/25	هرمزگان	23	23/56	خوزستان	10
28/27	همدان	24	26/18	زنجان	11
22/66	یزد	25	25/38	سمنان	12

مأخذ: محاسبات تحقیق

